خبر

فراخوان «نوجوونیم» منتشر شد

فراخوان سومین جشنواره «نوجوونیم» با هدف شناسایی و انتخاب نوجوانان فعال و علاقه‌مند به کنشگری فرهنگی در شهر تهران توسط سازمان فرهنگی-هنری شهرداری تهران منتشر شد. این رویداد با هدف شناخت حداکثری ظرفیت‌های نوجوانان مستعد شهر تهران در حوزه فرهنگ، ایجاد بسترهای کنشگری برای آنها و هدایت نوجوانان به‌سمت ایده‌پردازی‌های فرهنگی توسط سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران برگزار می‌شود. «چالش‌های حل مسائل فرهنگی»، «طراحی کسب‌وکار فرهنگی» و «طراحی رویدادهای فرهنگی» سه محور اصلی این دوره از جشنواره «نوجوونیم» است که در ۳۴ فرهنگسرای شهر تهران برگزار می‌شود. نوجوانان مقاطع متوسطه اول و دوم برای شرکت در جشنواره باید در یکی از این سه محور ایده‌پردازی کنند و ایده خود را در سایت جشنواره به نشانی nojavoonim. farhangsara. ir در قالب متن، عکس، فایل صوتی یا ویدئو ثبت کنند. نوجوانان تا ۱۵ آذر فرصت دارند ایده‌های خود را ثبت کنند. با شکل‌گیری هیأت داوران در همه ۳۴ فرهنگسرا، یک نوجوان از هر محور به عنوان برگزیده انتخاب می‌شود و بوت‌کمپ آموزشی در سه گروه ۳۴ نفره برگزار خواهد شد. این جشنواره به پرورش نوجوانانی با قابلیت تفکر خلاق، تحلیل مسائل و حل چالش‌های فرهنگی و اجتماعی کمک می‌کند و برگزیدگان آن به حلقه‌های هویتی فرهنگسراها همچون «بچه‌های رستا»، «بچه‌های ایران آینده» و «بچه‌کتابخون‌ها» می‌پیوندند.

ولی بعد از آن تغییراتی در ارشاد، اتحادیه و اماکن رخ داد و دیگر پیگیری نشد و در هرصورت این مسائل همیشه هست. باید آگاه‌تر بود و بهتر مدیریت کرد. ریشه‌کن کردن وظیفه رسانه‌ها و بخصوص تلویزیون است. انصافا در این سال‌های اخیر، تلویزیون ما وقت زیادی برای تبلیغ کتاب گذاشته است. خوب است در کنار معرفی کتاب، درباره قاچاق کتاب هم بحثی بگذارد. نه فقط کتاب، درباره هر کالایی؛ وقتی طرف جعبه دارو را عین داروی خارجی تولید می‌کند و داخل آن یک داروی آشغال می‌ریزد و به عنوان کالای خارجی به مردم قالب می‌کند، این دارو است که به جان مردم مرتبط است، کتاب که دیگر چیزی نیست.

مسأله قاچاق چیز کمی نیست، در حال نابود کردن نشر است. ناشری رفته کتاب‌های خارجی پرفروش را ترجمه و منتشر کرده، یک ناشر دیگر همان کتاب‌ها را با کمی تغییرات رونویسی کرده و با اسم دیگری به ارشاد داده، مجوز هم گرفته است. نشر اصلی قیمت کتاب را ۱۰۰ هزار تومان گذاشته، این یکی قیمت زده ۴۰۰ هزار تومان، ۷۰ درصد تخفیف هم می‌دهد تازه در نمایشگاه غرفه هم گرفته است. این درد است.

یادم هست که نمایشگاه امسال که می‌خواست برگزار شود، آقای احمدوند، معاون وقت وزارت ارشاد اصطلاح ناشران پخته‌خوار را برای این گروه از ناشران به کار برد و گفت جلوی این ناشران را در نمایشگاه می‌گیریم.

جلوی تعداد محدودی از آنها یعنی ۱۰ یا ۱۵ ناشر را گرفتند ولی تعداد آنها خیلی بیشتر از این حرف‌هاست. ضمن این‌که جلوی ۱۰، ۱۵ ناشر را در نمایشگاه گرفتن، دردی را دوا نمی‌کند. باید پروانه نشرشان را باطل کنند و جلوی فعالیت‌شان را بگیرند. البته این هم هست که وقتی ما در هیأت بدوی محکومشان می‌کنیم، می‌روند تجدید نظر و به قوه قضاییه شکایت می‌کنند و تبرئه می‌شوند. آیین‌نامه داخلی است دیگر، حقوقی نیست و کاری هم از شما برنمی‌آید.

فرمایش شما درست است ولی بحثی هم وجود دارد؛ این‌که می‌گویم بالاخره ارشاد مسئولیت دارد. شما همین الان بروید به سایت خانه کتاب که مال خود ارشاد است، ببینید خانمی که اصلا معلوم نیست که وجود دارد یا نه، با سن ۱۷ یا ۱۸ سال، همه رمان‌های بزرگ تاریخ ادبیات جهان را ترجمه کرده است! مگر چنین چیزی ممکن است؟ مشخص است این کتاب‌سازی است، چرا ارشاد جلوی اینها را نمی‌گیرد؟

من صحبت شما را تایید می‌کنم و می‌گویم نه‌تنها ۱۷، ۱۸ ساله بلکه فردی هفت‌ساله هم کتاب ترجمه کرده است! من خودم عضو هیأت تجدیدنظر تخلفات ناشران هستم. من اخیرا پیشنهادی دادم که مسئولان سابق قبول کردند، باید منتظر بمانیم و ببینیم مسئولان جدید چه می‌کنند. نظرم این بود که حداقل مجوز را بدون ثبت کدملی شخص صادر نکنید. شما به سایت ورود پیدا می‌کنی تا اعلام کنی من این کتاب ترجمه را می‌خواهم چاپ کنم، باید یک سری مشخصات پر کنید، وقتی کدملی نباشد، دیگر مشخص نیست شما چه کسی هستی ولی با کدملی تمام اطلاعات‌تان مشخص می‌شود. من شنیدم ناشری حدود ۲۰ کتاب رمان خوب را به اسم دختر هفت ساله‌اش مجوز گرفته است. این مسائل وجود دارد و ارشاد باید سختگیری‌هایی کند و اجازه ندهد این اتفاقات روی دهد. البته باید توجه داشته باشیم که الان ارشاد هیچ قدرت اجرایی ندارد و باید مسئولان اماکن، قوه قضاییه و دادسرای فرهنگ و رسانه با هم یک تیم شوند و طبیعتا آن موقع، ارشاد باید وظایفش را انجام بدهد.

ناشرانی که مجوز دارند ولی فعال نیستند، آیا تسهیلاتی دریافت می‌کنند؟

الان که تسهیلاتی وجود ندارد. آنچه عرض کردم مربوط به دوره‌های قبل بود. آخرین باری که ما کاغذ دولتی دریافت کردیم، در دوران قبلی وزارت آقای صالحی، یعنی سه سال قبل بود. اکنون تسهیلاتی وجود ندارد که بدهند؛ البته قطعا معاونت فرهنگی بودجه‌هایی دارد که در قالب حمایت یا خرید کتاب اختصاص داده اما این هم عددی نیست، حداقل من به عنوان یک ناشر فعال در این زمینه حمایتی ندیده‌ام.

همیشه یکی از بحث‌هایی که ما با ارشاد داریم، بخصوص در برهه نمایشگاه این است که چرا یارانه‌ای که به یک سری از اقشار می‌دهید، باعث خجالت است؟ ارشاد می‌گوید ما بودجه محدودی مثلا در حد ۱۰۰ میلیارد تومان داریم که باید با آن هفته کتاب و نمایشگاه هم برگزار کنیم، این بودجه را که خود وزارت ارشاد تدوین می‌کند و به سازمان برنامه بودجه و مجلس می‌دهد، چرا در این زمینه کم‌کاری می‌کند؟

اگر بخواهم در یک کلمه نظرم را بگویم، با شما موافقم اما در برخی زمینه‌ها، اطلاعات من مقداری با اطلاعات شما فرق دارد، مثلا نمایشگاه بین‌المللی هرساله در اردیبهشت برگزار می‌شود و همه دنیا از آن اطلاع دارند و البته بودجه‌اش هم حدود هفت هشت میلیارد تومان است و اصلا عددی نیست. برای همین با پول گرفتن برای ثبت‌نام بن کتاب و اجاره دادن غرفه به ناشر یا اجاره دادن بوفه‌های اغذیه‌فروشی به بخش خصوصی، در حقیقت بودجه‌هایی از جاهای دیگری به‌دست می‌آورند و با آن نمایشگاه را می‌چرخانند. اگر بودجه داریم که خب درست و حسابی بودجه بگیریم و مصرف کنیم و اگر هم بودجه نداریم که بحث دیگری است. نقش ارگان‌های دولتی که جای خود را دارد، الان در بخش خصوصی هم اتحادیه‌های ما را از گرفتن حق عضویت منع کرده و می‌گویند حق عضویت را به اتاق اصناف ایران بدهید، آن هم مثل بانک مرکزی، دولت این بودجه را برمی‌گرداند. اینها بحث‌های پیچیده‌ای است و من کارشناس دولتی و بودجه نیستم ولی چیزی که می‌دانم، این است که نمایشگاه را به سختی برگزار می‌کنیم. به خصوص این‌که یک سری ارگان‌ها برای خودنمایی، غرفه‌های وسیع با غرفه‌آرایی چند میلیاردی در نمایشگاه راه می‌اندازند و بعد به من ناشری که غرفه‌ام باید متراژ خاصی داشته باشد، غرفه وسیع نمی‌دهند. من برای اولین بار در سال گذشته ۶۰۰ متر مربع غرفه داشتم، میزان ارباب رجوع و فروش غرفه بنده بنا به آمار وزارت ارشاد در صدر جدول بود.

اگر از شما به عنوان کسی که ده‌ها هست در کار نشر کتاب هستید و همه اضلاع کتاب و نشر را می‌شناسید، نظر بخواهند که بودجه حمایت از کتاب و کتابخوانی را به کدام بخش بدهیم، چه می‌گویید؟ این حمایت‌ها باید از ناشر باشد یا مؤلف یا مخاطب؟

سال‌های ۸۳ یا ۸۴ ما در نمایشگاه طوماری با امضای بیشتر از ۶۰ ناشر آماده کردیم که کاغذ دولتی نمی‌خواهیم، این بودجه را بدهید به معاونت فرهنگی و بودجه‌اش را بالا ببرید. معاونت فرهنگی برای نهاد کتابخانه‌ها و جاهای دیگر کتاب بخرد. بودجه ما را کم کردند ولی بودجه معاونت فرهنگی را زیاد نکردند. دورانی معاونت‌های دیگر ارشاد قوی بودند، بودجه ارشاد را به سمت خودشان کشیدند و بودجه معاونت فرهنگی پایین آمد. در جواب شما باید بگویم من معتقدم این حمایت‌ها صرفا نباید از ناشر، مخاطب و نویسنده باشد. بلکه این بودجه باید برای توسعه کتاب و کتابخوانی صرف شود و کار هم از دانش‌آموزان آغاز شود. من عضو شورای سیاست‌گذاری سامان بخشی آموزش و پرورش هم هستم. بدون این‌که بخواهم مراکز خاصی نام ببرم، شنیدم نامه‌ای به آموزش و پرورش رسیده که گلایه شده مطالعه کتاب‌های غیردرسی در آموزش و پرورش خیلی پایین آمده است. من معتقدم که ما هر چقدر بودجه‌ای را که برای حوزه فرهنگی اختصاص می‌دهیم، همان را بدهیم به مدارس و در هر کلاسی از دوره اول دبستان تا دبیرستان، قفسه‌ای با کتاب باشد و مدارس ساعت مطالعه داشته باشند، بهتر است. اگر چنین اتفاقی بیفتد، بچه‌ها از دوران کودکی کتابخوان بار می‌آیند، این بزرگ‌ترین خدمت است و مشکل آینده کشورمان را هم حل می‌کند. تیراژ کتاب که بالا برود، من ناشر به هدفم می‌رسم، نویسنده به حق تالیفش می‌رسد و جامعه هم پربار می‌شود ولی اگر بچه‌های‌مان به جای کتاب، اوقات فراغت‌شان را با گوشی بگذرانند، از آینده چه توقعی داریم؟

اتفاقا الان برعکس عمل می‌شود، در جاهایی کتابخانه‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان دارد راکد یا تعطیل می‌شود.

من به عنوان یک ناشر بخش خصوصی و علاقه‌مند به کتاب در میدان هفت‌تیر، پنج طبقه کتابفروشی با مساحت ۱۲۵۰ متر مربع ساخته‌ام که شامل بخش کتاب کودک، بزرگسال، کافی‌شاپ، صنایع‌دستی و ... است و تقریبا هر هفته از سوی مدارس مختلف در قالب اردوهای یک‌روزه بچه‌ها را برای بازدید و جلسات قصه‌خوانی و داستان‌نویسی می‌آورند. وقتی بخش خصوصی به اندازه توان خود می‌تواند، آن وقت کانون نمی‌تواند؟ مدیریت این مراکز باید با بهره‌گیری از تمام امکانات و استفاده از تمام زیرساخت‌ها باشد.

آیا از شما به عنوان یکی از ناشران فعال و جدی عرصه کودک و نوجوان، خرید کتاب از طرف کانون برای کتابخانه‌هایش انجام شده است؟

در دو سال گذشته، دو سه هزار جلد از دو عنوان کتاب ما را خریده‌اند. یکی کتاب «تَن‌تَن و سندباد» بود که رهبری متنی برایش نوشته بودند و یکی دیگر کتاب «قصه‌های تصویری از شاهنامه» بود که قیمت چندانی نداشت. تازه اینها را هم پارسال بعد از ۱۰ سال خریدند.

چون قرار بود کانون، کتابخانه‌های خودش را با کتاب‌های کانون و کتاب‌های برگزیده از ناشران کودک و نوجوان دیگر تجهیز کند.

در یکی از جلسه‌های سامان بخشی که آقای علامتی، مدیرعامل کانون حضور داشتند، اعلام کردند که ما ۵۰ میلیارد تومان کتاب برای کتابخانه‌های‌مان خریده‌ایم. آخر جلسه به ایشان گفتم آقای علامتی از این ۵۰ میلیارد تومان، یک قرانش نباید به ما می‌رسید؟ ناشر اول کودک و نوجوان کشور من هستم. این حرفم باعث شد که دو عنوان کتاب، به مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان از من بخرند!

اگر پیشنهادی که شما می‌دهید، یعنی بحث کتابخانه‌های مدارس راه بیفتد، بالاخره برای تجهیز اینها به کتاب و ناشر نیاز است و این امر باعث می‌شود که چرخه نشر هم تکانی بخورد.

غیرمستقیم بله، وقتی مترو می‌سازند، برای من و شما که نمی‌سازند، برای جامعه می‌سازند و من و شما هم به عنوان عضو این جامعه، بهره می‌بریم. جهاد سازندگی در دهه ۶۰ کتاب‌ها را با تیراژهای وسیع برای مدارس ارسال می‌کرد. در نتیجه آن، بچه‌های دهه ۶۰ و ۷۰ نسبت به نسل جدید، خیلی کتابخوان‌تر بودند. این پیشنهاد بنده اگر پذیرفته شده، مصوبه‌ای داشته باشد و دولت رسما آن را اجرا نماید، قطعا تأثیرگذار خواهد بود.

فرض کنید چنین اتفاقی بیفتد، وقتی بخواهند کتاب از ناشران بخرند، چه تضمینی وجود دارد که همین اتفاقی که الان دارد می‌افتد، پیش نیاید. یعنی ۵۰ میلیارد بخرند ولی از شما که ناشر اول کتاب کودک و نوجوان هستید، هیچ کتابی نخرند بلکه از ناشری بخرند که معلوم نیست که هست؟

من دقیقا با شما موافقم. خود وزارت آموزش و پرورش در دهه ۸۰ بخشی به نام ساماندهی منابع آموزشی و تربیتی (کتابنامه رشد) راه‌اندازی کرد که کارشان انتخاب کتاب‌های مناسب از نظر پایبندی به برنامه درسی و رعایت چارچوب یک کتاب آموزشی است. در این کتابنامه حدود ۳۰۰۰ عنوان از ۴۵۰۰ کتابی که بنده چاپ کرده‌ام، بررسی و مورد تایید قرار گرفته است. اگر الان سایت‌شان را ببینند، کتاب‌های ما در آنجا موجود است. اینجا که قرار نبوده کسی کتاب بخرد، این اقدام خوبی بود که کتاب‌های برگزیده را گلچین و معرفی کردند. الان در این سامانه تعداد کتاب‌های معرفی شده و مورد تأیید به ۳۵ هزار کتاب رسیده است. اگر این کار با مدیریت تشکیلاتی همراه باشد، موفق خواهد بود. بنده از ۱۴ سالگی کار کتابفروشی کرده‌ام. قبل از انقلاب، کتاب‌های درسی سال اول تا پنجم مجانی بود، بعد کتاب‌های دوره راهنمایی را خیلی ارزان می‌فروختند. الان نزدیک ۱۰ سال است آموزش و پرورش خودش ثبت‌نام می‌کند و از خانواده‌ها پول می‌گیرد و کتاب‌ها را هم خودش پست می‌کند. خودش این را در دست گرفته تا آن ۱۸ درصدی که به کتاب فروشی‌ها می‌داد، برای خودش نگه دارد. کتابفروشی‌هایی را که در مناطق و محلات بود، به ورشکستگی کشانده است. این روش، روش غلطی است. البته این‌که با کدملی باید کتاب درسی توزیع شود، درست است تا بیش از اندازه کتاب توزیع نشود. اگر این‌گونه باشد؛ کتابفروشی محلی ثبت‌نام می‌کند، پولش را هم به حساب آموزش و پرورش می‌ریزد و آن ۱۸ درصد هم گیر کتابفروش می‌آید و در کنارش لوازم‌التحریر هم می‌فروشد اما این‌که خودت یکپارچه توزیع می‌کنی، خودت می‌فروشی، تحمل نداری این ۱۸ درصد نصیب بخش خصوصی شود و همه چیز را صد درصد دولتی می‌کنی، انحصار به وجود می‌آید حتی محتوای کتاب درسی را من ناشر باید تولید کنم. ما حدود هشتصد، نهصد عنوان کتاب درسی داریم، چه ایرادی دارد به هر ناشری ۱۰ عنوان بدهید که چاپ کند، بعد در رسانه‌ها اعلام کنند این عناوین را فلان ناشران منتشر می‌کند. امروزه تکنولوژی همه چیز را آسان کرده است و اکثر محصولات به راحتی در دسترس قرار می‌گیرد. راهکار و امکاناتش وجود دارد. فقط باید درست اجرا شود. در اجرا هنوز نتوانسته‌ایم از دنیای سنتی به دنیای مدرن وارد شویم.

شما به صورت جدی، چند سالی است در حوزه کودک و نوجوان ورود کرده‌اید. ما با کارشناسان راجع به ادبیات کودک و نوجوان که صحبت می‌کنیم، خیلی از آنها معتقدند که در تولید محتوا به خصوص برای گروه سنی نوجوان و به طور مشخص در ادبیات داستانی، بسیار مشکل داریم. آیا شما با این پدیده یا معضل برخورد کرده‌اید؟

تمام این مشکلات در این پانزده بیست سال اخیر اتفاق افتاده است. اوج موفقیت و شکوفایی ادبیات کودک و نوجوان در دهه ۶۰ و ۷۰ بود. با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، شاعران و نویسندگان بزرگی در این حوزه وارد شدند؛ البته قبل از انقلاب هم نویسندگان خوبی در این حوزه داشتیم ولی انگشت‌شمار بودند. کتاب‌های دهه ۶۰ و ۷۰، مشکلی ندارد، تیراژهای‌مان هم خیلی خوب بود ولی هرچه جلوتر آمدیم، هرکسی خودش را نویسنده دانست.

آیا قبول دارید که عمده بازار نشر ما در حوزه ادبیات، به خصوص برای گروه سنی نوجوان به ترجمه اختصاص دارد و ما کتاب تألیفی خوب کم داریم؟

اگر به آمار خود خانه کتاب که مستند هم هست، توجه کنیم؛ در حوزه داستان برای خردسال و کودک و شعر غالب آثار ما تألیفی است. در مورد کتاب‌های علمی-آموزشی قضیه فرق می‌کند. به علت نبود منابع جامع و کامل، به ناچار مجبوریم از منابع خارجی استفاده نماییم اما در خصوص رمان و داستان، باید بگویم که اصل قضیه مشکل ما در همین جاست چون طبیعتا نسبت به نوجوانان کتابخوان، تعداد نویسنده‌های ما-نویسنده‌هایی که قبول‌شان داشته باشیم-بسیار محدود است. من خودم سالانه ۵۰ رمان تألیفی منتشر می‌کنم، حالا شما حساب کنید در کل کشور این تعداد به ۳۰۰ تا ۵۰۰ کتاب در سال می‌رسد. اگر این کتاب‌ها تیراژ ۱۰۰ هزارتایی داشت، می‌گفتیم ۵۰۰ هزار نفر نوجوان در جامعه این کتاب‌ها را می‌خوانند ولی وقتی تیراژ به ۲۰۰ تا ۵۰۰ نسخه رسیده و عنوان بر تیراژ غالب شده، این عددی نیست که بتواند درخواست را پوشش دهد و اینجاست که ترجمه، جای تألیف را می‌گیرد.

البته نباید بی‌جهت از ترجمه ترسید. در بررسی این موضوع، فقط نباید به کشور خودمان نگاه کنید، این که می‌گویند تیراژهای آنها ۵۰۰ هزار تا یک میلیون نسخه است، آیا همه این تعداد در لندن فروخته می‌شود یا همه این یک میلیون برای انگلیس است؟ برای همه انگلیسی‌زبان‌های دنیا منتشرش می‌کند. ولی من فارسی‌زبان که از این طرف افغانستان کتاب‌های مرا ممنوع می‌کند، از آن طرف تاجیکستان است که چقدر کتاب می‌تواند به آنجا برود؟ معلوم است که محدود می‌شوم.

من کتاب‌های نشر شما را چند سال است رصد می‌کنم، یکی از کارهای خوب شما میدان دادن به بازنویسی از آثار کهن ادبیات و شعر و داستان قدیم است. من حتی دیدم مثلا شما یک دوره از حدیقه‌الحقیقه که کمتر کسی حتی از خود ادبیاتی‌ها به آن توجه کرده‌اند را بازنویسی کرده‌اید. چه شد که بازنویسی آثار کلاسیک را برای کودکان و نوجوانان این قدر جدی گرفتید؟

عشق و علاقه و ایستادگی و مقاومت همه با هم، باعث شد که این کار را پیش ببریم. تقریبا سال ۶۵ یا ۶۶ از آقای حسین فتاحی خواهش کردم مجموعه ۱۴ قصه از ۱۴ معصوم را برای بچه‌های دبستانی زحمت بکشد و بنویسد. آقای محمدرضا دادگر هم که یکی از بهترین تصویرگران خوب ما بود، کتاب را تصویرگری کرد. ما سه چهار بار این کتاب را چاپ کردیم. بعد یک مدیرکلی در وزارت ارشاد جلوی انتشارش را گرفت. ما به ایشان گفتیم این کتاب مجوز دارد و به هیأت نظارت شکایت کردیم. وزارت ارشاد دو هیأت نظارت بر نشر دارد، یکی در بخش کودک و نوجوان، یکی بزرگسال که با حکم رئیس جمهور تعیین می‌شوند. در هیأت نظارت تبرئه شدیم و حق را به ما دادند، این امر بر ایشان گران آمد و فرستاد از جایی استعلام گرفتند و بعد مدتی جواب آمد تصویرگری درباره ائمه(ع) برای کودکان در صورتی که وهن نباشد، اشکالی ندارد. بعد از موفقیت این کتاب، از آقای فتاحی خواستیم زحمت بازنویسی شاهنامه را هم بکشد. این دو تا مجموعه که موفق شد، گلستان سعدی را منتشر کردم. این کتاب، حاصل تجربه کتابفروشی من در نوجوانی در غرب تهران است. یک روز در سال‌های اوایل انقلاب، دخترخانمی به کتابفروشی ما آمد و گلستان سعدی خواست. گلستان سعدی چاپ امیرکبیر را به او دادم، گفت: نه چیز دیگر و بهتری از این دارید؟ من نمی‌توانم خط نستعلیق این کتاب‌ها را بخوانم. گفتم: نه ببخشید گلستان دیگری ندارم. این اتفاق به ذهنم جرقه زد و با آقای استاد ولی که با ایشان رفاقت داشتم، صحبت کردم و گفتم می‌خواهم گلستان سعدی را منتشر کنم اما به شکل تازه، با اعراب‌گذاری و قطع جدید. ایشان هم رفت و با قطع پالتویی که در ایران اصلا مد نبود، کتاب را آورد. تولید این کتاب با این قطع سخت بود، ماشین تاکن و امکانات دیگر نداشتیم ولی به هرحال آن را چاپ کردم. این کتاب آن زمان ۱۰۰ هزار نسخه در یک سال به فروش رفت و تاکنون ۴۰ بار تجدید چاپ شده است. بعد از آن به آثار دیگر نویسندگان کلاسیک مانند بیهقی روی آوردیم و در اختیار دانشجویان و بزرگسالان قرار دادیم. این کتاب‌ها با توجه به سرعت زیاد انتشار کتاب در آن زمان، از نظر اقتصادی برای‌مان پررونق بود. این کتاب‌ها حدود ۱۰ سال قبل در ۴۰ جلد چاپ شد و اخیرا در پنج سال گذشته ۲۰ کتاب دیگر هم اضافه کرده‌ام که در حال آماده‌سازی است و تا شش ماه دیگر منتشر می‌شود. در میانه این کار بود که با خودم گفتم حالا که من شاهنامه را برای کودکان منتشر کردم، با توجه به زبان ثقیل و سخت این‌گونه کتاب‌ها که باید برای فهم آنها به واژه‌نامه‌ها مراجعه کرد و درک‌شان دشوار است، می‌توان آنها را به زبان ساده برای کودکان بازنویسی کنیم تا آنها نیز علاوه بر آشنایی با پندها و آموزه‌های قدیمی، با فرهنگ ایرانی و اسلامی نیز آشنا شوند. درنتیجه آثار دیگر را هم به صورت مجموعه‌های ده تایی برای کودکان آماده کردم. این کتاب‌ها با هنر تصویرگران زبده و نویسنده‌های صاحب‌قلم منتشر شد و خیلی سریع مورد استقبال قرار گرفت. البته منظورم از خیلی سریع، سه یا چهار سال است. این کتاب‌ها با ۱۰ داستان کوتاه و تصویرگری در ۱۰ جلد چاپ می‌شد و بعد یک کتاب رحلی هم از مجموع این ۱۰ جلد منتشر کردیم و درنهایت به تناسب بودجه خانواده‌ها، در قطع‌های مختلف منتشر شد اما بعد از کرونا همه چیز به هم ریخت. دیدم کتاب جلد سخت به جای ۳۰ هزار تومان شده ۱۰۰ هزار تومان. قطعش را تغییر دادم و کوچک کردم، جلدش را نرم کردم و با جلد شومیز منتشر کردم که قیمتش همان حدود قبل بماند. البته باید بگویم کار ما فقط در این کتاب‌ها خلاصه نمی‌شود. در مورد علوم یا مثلا فرض کنید درباره آی‌تی، شما بخواهید اطلاعاتی بدهید، مخاطبان‌تان باید حداقل دیپلم داشته باشند ولی این مفاهیم را چطور باید به بچه چهارساله آموزش داد؟ چند وقت قبل بعد از ۱۰ سال قصد داشتم برای یک کار شخصی بروم دبی. به یک کتابفروشی رفتم و یک مجموعه چهارتایی کتاب درباره آی‌تی برای بچه‌ها دیدم و خریدم. آمدم تهران و به بخش پژوهش انتشارات گفتم این کتاب‌ها را بررسی کنند، گفتند این یک مجموعه ۱۹ جلدی است که چهارتا از کتاب‌هایش دو ماه است چاپ شده، همه ۱۹ کتاب را خریدم. در این کتاب‌ها مفاهیم مهندسی به صورت بسیار ساده و علمی برای بچه‌ها توضیح داده شده است. به بچه‌ها گفتم این نویسنده و ناشر را زیرنظر داشته باشید، دو ماه بعد دیدم چهار کتاب جدید منتشر کرد. فورا آن چهارتا را خریدم و دادم ترجمه کردند. این کتاب‌ها را در نمایشگاه امسال رونمایی کردیم و خیلی از آنها استقبال شد.

جهاد سازندگی در دهه ۶۰ کتاب‌ها را با تیراژهای وسیع برای مدارس ارسال می‌کرد. در نتیجه آن، بچه‌های دهه‌های ۶۰ و ۷۰ نسبت به نسل جدید، خیلی کتابخوان‌تر بودند

گزیده‌هایی از گفت‌وگو

1. شورای عالی انقلاب فرهنگی باید در آیین‌نامه صدور مجوز نشر بازنگری کند
2. ریشه‌کن کردن قاچاق کتاب وظیفه رسانه‌ها و به‌خصوص تلویزیون است
3. انصافا در این سال‌های اخیر تلویزیون وقت زیادی برای تبلیغ کتاب گذاشته است
4. پیشنهاد داده‌ام صدور مجوز منوط به ثبت کدملی شخص شود تا اطلاعات اشخاص درخواست‌کننده مشخص شود
5. بودجه نمایشگاه بین‌المللی کتاب حدود هفت، هشت میلیارد تومان است!
6. بودجه حمایتی باید برای توسعه کتاب و کتابخوانی صرف شود و کار هم از دانش‌آموزان آغاز شود
7. ساماندهی منابع آموزشی و تربیتی (کتابنامه رشد)، اقدام خوبی بود که آموزش و پرورش انجام داد
8. مشکل اصلی ما در رمان و داستان نوجوان است، چون تعداد نویسنده‌های ما نسبت به نوجوانان کتابخوان، بسیار محدود است

صحنه

تئاتر کودک سرمایه‌گذاری بیشتر می‌خواهد

توحید معصومی مشاور عالی مدیرکل هنرهای نمایشی، در گفت‌وگو با فارس، با اشاره به تجربه طولانی‌مدت خود در عرصه تئاتر، با بیان این نکته که نزدیک به ۳۰ سال است که در این حوزه فعالیت می‌کند و بیشتر در بخش تئاتر کودک و نوجوان مشغول به کار بوده است، گفت: تئاتر کودک و نوجوان از ارکان اصلی تئاتر حرفه‌ای کشور محسوب می‌شود و هرچقدر در این حوزه سرمایه‌گذاری کنیم، تئاتر حرفه‌ای کشور نیز در سطح بالاتری قرار خواهد گرفت.

وی اضافه شدن بخش کودک و نوجوان به جشنواره استانی تئاتر تهران را اقدامی مهم و شایسته برشمرد و از کیفیت آثار ارائه شده در این جشنواره ابراز رضایت کرد. وی در پاسخ به سؤالی درخصوص وضعیت تئاتر نوجوانان در کشور، با تأکید بر این مفهوم که این بخش نیاز به توجه و سرمایه‌گذاری بیشتری دارد، اظهار کرد: در اداره کل هنرهای نمایشی برنامه‌هایی برای ارتقای تئاتر کودک و نوجوان داریم که از سال آینده به‌طور جدی آغاز خواهد شد. هدف ما ارتقای سطح کیفی آثار و همچنین توجه بیشتر به آموزش و تولید تئاتر است.

دیدگاه

کتاب، بهترین ابزار پیوند حوزه تمدنی ایران

مولاداد رستمی، شاعر و نویسنده افغانستانی، کتاب را بهترین ابزار برای استحکام روابط فرهنگی کشورهای حوزه تمدنی فارسی عنوان کرد. وی که عضو هیأت رهبری انجمن ادبی هرات و مجری برنامه «شرح گلستان سعدی» در شبکه تلویزیونی اصلاح در هرات است، گفت: گاهی اوقات فرهنگ یک تمدن و یا یک کشور بر کشور دیگر به‌صورت سلطه سیاسی استحکام داده شده است. به‌این معنا که فرهنگ تمدن غالب به کشور مغلوب تحمیل شده است. امروز که جهان عرصه معلومات و تکنولوژی است، می‌توان از کتاب به‌عنوان بهترین وسیله برای استحکام‌بخشیدن به دیپلماسی فرهنگی استفاده کرد. رستمی ادامه داد: علاوه بر کشورهای ایران، افغانستان و تاجیکستان، کشورهای آسیای میانه مانند پاکستان، هند، غرب چین، ترکیه، عراق و آذربایجان هم در زمره حوزه تمدنی فارسی محسوب می‌شوند. کتاب بهترین وسیله برای استحکام‌بخشیدن به این حوزه تمدنی بزرگ است. این حوزه بزرگ تمدنی، روزگاران نه‌چندان دور در قلمرو زبان فارسی بودند و کتاب می‌تواند رابطه کشورهای این حوزه تمدنی را مستحکم‌تر کند. با آن‌که فضای مجازی و رسانه‌های جمعی ویژگی‌های خود را دارند اما هیچ‌کدام از این گزینه‌ها نمی‌توانند جای کتاب را بگیرند.

قاب

کاریکاتوریست‌ها از «شکست ترمیم‌ناپذیر» می‌گویند

دومین فراخوان رویداد کارتون و کاریکاتور با عنوان «شکست ترمیم‌ناپذیر» توسط باشگاه طنز انقلاب اسلامی منتشر شد. این فراخوان با محوریت «سخنان و کلیدواژه‌های رهبرمعظم انقلاب اسلامی در مورد حرکت مجاهدان فلسطینی در عملیات بزرگ طوفان‌الاقصی» منتشر شده است. علاقه‌مندان می‌توانند تا تاریخ اول دی برای کسب اطلاعات بیشتر و ارسال آثار با شناسه @farakhan_cartoon در پیام‌رسان‌های بله، ایتا و تلگرام در این رویداد شرکت کنند.

بخش ویژه این فراخوان با موضوع «حقوق بشر» است و داوران این جشنواره مازیار بیژنی و محمدعلی رجبی هستند که پس از پایان فراخوان به داوری آثار می‌پردازند. به نفرات اول تا سوم این رویداد به ترتیب ۵۰، ۳۰ و ۲۰ میلیون ریال اهدا و از آثار برگزیده در چاپ کتاب و برگزاری نمایشگاه استفاده می‌شود.